

# درآمد اندک معلم

## نگاهی به وضعیت مدارس غیرانتفاعی در استان هرمزگان

### سمیره حنایی

معلمان رسمی و بازنشسته آموزش و پرورش، در سراسر ایران این روزها از وضعیت خود گله‌مندند. طبق آمار رسانه‌های محلی و غیررسمی، تاکنون معلمان بیش از 30 شهر بزرگ در ایران، در تجمع‌های مسالمت‌آمیز، خواستار اجرای طرح رتبه‌بندی و بازنگری در حقوق‌شان هستند. نمادین‌ترین اعتراض را، معلمان شهر بافق یزد، با نشستن بر سر سفره خالی، انجام دادند. در حالی معلمان آموزش‌وپرورش از بی‌عدالتی در تعیین میزان حقوق‌شان گلایه دارند که همکارانشان در بیشتر مدارس غیرانتفاعی هرمزگان، حقوق تعریف شده‌ای ندارند. در بسیاری از این مدارس، نه از حقوق اداره کار خبری هست و نه بیمه. معلمان غیرانتفاعی روزهای پرتورم زندگی‌شان را در حالی سپری می‌کنند که به گفته یکی از آنان، برای اعتراض یا دادخواهی از شرایط موجود، راه به جایی نمی‌برند. در حالی که هنوز به وضعیت معلمان رسمی آموزش و پرورش رسیدگی کافی نشده، آیا معلمان غیرانتفاعی باید چشم امید به تغییر وضعیت خود داشته باشند؟

#### حقوق؛ مساله این است

خودکشی يك معلم، این‌بار در استان هرمزگان، جامعه فرهنگی را بار دیگر با شوک بزرگی روبه‌رو کرد. «مصطفی رنجبران»، دبیر زیست‌شناسی اهل میناب، 15 بهمن‌ماه 1400 به دلایل معیشتی خودکشی کرد. در حالی که برخی رسانه‌ها تلاش کردند، علت خودکشی را بپوشانند اما «محمد حبیبی»، عضو و سخنگوی هیات‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران، در صفحه شخصی خود در فضای مجازی خودکشی این معلم را تایید و انگیزه را مشکلات معیشتی اعلام کرد. این اولین‌بار نیست که يك معلم به دلیل مشکل معیشتی، مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهد. اندکی پیش از این نیز، «غلام‌عباس یحیی‌پور»، معلم اهل شهرستان گراش فارس، اواخر شهریورماه امسال خودکشی کرد و جان خود را از دست داد. هر دو از معلمان از حقوق اداره آموزش‌وپرورش برخوردار بودند. اما شرایط

برای معلمان غیرانتفاعی از این هم سخت‌تر است. در بیشتر مدارس غیرانتفاعی نه از حقوق اداره کار خبری هست و نه بیمه. مدارس غیرانتفاعی به صورت خصوصی اداره می‌شوند بنابراین آموزش و پرورش نظارت و نقشی در قراردادهای بین موسسان و معلمان ندارد. این معلمان، طبق قانون، در حکم یک کارگر مشغول به کارند اما اغلب از حداقل مزایا و حقوق کارگران عادی هم برخوردار نیستند. بیشتر موسسان مدارس غیرانتفاعی سلیقه‌ای و توافقی، سالانه حقوق‌ها را تعیین می‌کنند. حقوق توافقی و متغیر معلمان، یک معضل جدی در مدارس غیرانتفاعی است. میانگین حقوق معلمان غیرانتفاعی در هرمزگان، از 800 هزار تومان تا یک میلیون و پانصد هزار تومان متغیر است. در حالی که در سال جاری شهریه یک مدرسه دبستان غیرانتفاعی نزدیک به 6 میلیون تومان است. با اینکه شهریه مدارس سالانه افزایش می‌یابد، اما حقوق معلمان تغییر محسوسی نمی‌کند. به گفته اکثر معلمان شاغل در مدارس غیرانتفاعی، افزایش حقوق، سالانه میانگین 100 تا 200 هزار تومان است. «بعد از پنج سال کار در مدرسه، به موسس اعلام کردم با حقوق کمتر از دو میلیون تومان دیگر تدریس نمی‌کنم. ما یک معلم هستیم اما خجالت می‌کشیم بگوییم حقوق‌مان از یک پیک موتوری هم کمتر است». اینها را «وحید\*»، آموزگار پایه ششم می‌گوید. او پس از عدم افزایش حقوق در سال جاری، کارش را رها کرد. او همچنان بیکار است. به گفته او بعد از چند سال کار با حقوق کم در یک محیط آموزشی، بیکاری گزینه شرافتمندانه‌تری است. «پس از اعتراض، حقوق جدید را، با دویست هزار تومان افزایش نسبت به پارسال، یک میلیون و هفتصد هزار تومان واریز کردند. من هم به مدیر پیام دادم و گفتم که دیگر سر کار نمی‌آیم. دیگر راضی نبودم به این همه مشقت تن دهم در حالی که کسی اهمیتی برای کیفیت زندگی ما قائل نیست. آنها هم به سرعت یک معلم، با حقوق کمتر از من استخدام کردند. تا زمانی که نیروی کار بیکار هست، چرخ تجارت کارفرمایان هم می‌چرخد.»

### تعدیل امید

در استان‌هایی مانند هرمزگان که نرخ بیکاری بالایی دارد، کمتر مدرسه غیرانتفاعی را می‌توان یافت که حقوق بالایی چهار میلیون تومان را به معلمی که هفته‌ای 30 ساعت کار می‌کند، پرداخت کند. علاوه بر حقوق کم، معلمان غیرانتفاعی برخلاف معلمان رسمی، از امنیت شغلی هم برخوردار نیستند. موسس در صورت عدم رضایت از معلم یا اعتراض او، می‌تواند طبق بندی که در اغلب قراردادها ذکر شده، معلم را اخراج کند یا سال دیگر قراردادش را تمدید نکند. «ستاره\*» این روزها در یک شرکت بسته‌بندی کار می‌کند. او پیشتر آموزگار تربیت بدنی بوده است. «کرونا که تدریس را مجازی کرد، من مثل بقیه معلمان محتوا

تولید می‌کردم و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادم. آزمون‌ها را مرتب، مجازی برگزار می‌کردم. بعد از عید نوروز سال گذشته، متوجه شدم خبری از کادر آموزشی مدرسه نیست. چند بار به آنها زنگ زدیم تا بپرسیم که باید محتوا را برای آزمون پایانی کجا بارگذاری کنیم. جوابی ندادند. اول فکر کردم شاید معلمان دیگر به زنگ ورزش نیاز دارند و مثل همیشه برای جبران عقب‌افتادگی از آن استفاده می‌کنند. بعد فهمیدم که بی‌سروصدا اخراج شده‌ام. مدیر بعدها زنگ زد و گفت تعدیل نیرو کرده‌ایم. آخر معلمی با حقوق ماهی 300 هزار تومان هم تعدیل می‌خواست؟» بیشتر مدارس غیرانتفاعی، مانند شرکت‌های خصوصی، با معلمان قرارداد رسمی نمی‌بندند. بیشتر قراردادهای غیررسمی، لفظی یا صوری است. بیمه نیز در بسیاری از مدارس با شرط کاستن از حقوق دریافتی و پرداخت حق کارفرما، پرداخت می‌شود. «در پاسخ به کارشناس اداره تامین اجتماعی که از علت عدم بیمه بودن همکاران می‌پرسید، می‌گفتند همکاران خودشان تمایلی به بیمه شدن ندارند. در صورتی که بحث هر ساله ما سر بیمه بود. ما حتی به کارشناس بیمه هم نمی‌توانستیم بگوییم که ماجرا چیست، چون کارمان را از دست می‌دادیم. همه می‌دانستیم که موقت اینجا کار می‌کنیم، چون محیطی نبود که بتوانیم بیشتر تحملش کنیم.» ستاره اینها را می‌گوید و اضافه می‌کند: «خانواده‌ام هنوز فکر می‌کنند من در مدرسه تدریس می‌کنم. معلمی نقش اجتماعی خوبی است اما حداقل در مدارس غیرانتفاعی درآمدی ندارد. وقتی در يك شهر كوچك، با مدرک فوق لیسانس کار بسته‌بندی انجام می‌دهم، گاهی واقعا از زندگی ناامید می‌شوم. ولی وقتی هیچی سر جایش نیست، به هیچ جا نمی‌شود شکایت برد.»

### يك دنيا توقع

توقع والدین از معلمان غیرانتفاعی هم قابل قیاس با همکارانشان در مدارس عادی نیست. والدین مدارس غیرانتفاعی به دلیل پرداخت هزینه، توقع دارند که فرزندان‌شان با سطح کیفیت برتر، نسبت به مدارس عادی تحصیل کنند. شعار «کیف در مدرسه» که در بسیاری از مدارس غیرانتفاعی شنیده می‌شود، این توقعات را بیشتر هم کرده است. خروجی کار معلم با نتیجه کلاس سنجیده نمی‌شود، بلکه اینجا پیشرفت و پسرقت تکتک دانش‌آموزان ملاک است. ملاکی که به گفته بسیاری از معلمان، شیوه‌سنج درستی نیست. «والدین توقع داشتند ما در این مدارس معجزه کنیم. فرزندشان وقت کمتری را برای درس خواندن بگذارند اما نتایج بهتری نسبت به قبل داشته باشند. متأسفانه والدین کم‌کاری فرزندشان را به گردن ما می‌انداختند. چشم و هم‌چشمی بین والدین و رقابت خانوادگی بر سر نمره دانش‌آموزان هم زیاد بود. اولویت موسس هم راضی نگهداشتن والدین بود. همین موضوع باعث می‌شد که فشار کاری

روي ما بيشتر باشد. اگر والديني ناراضي بودند، بچه‌شان را به مدرسه ديگري مي‌بردند و ما مقصر بوديم. برقراري تعادل بين برنامه‌هاي خودمان و توقع موسس و والدين كار سختي بود.» «سبحان\*» پيش از اين آموزگار رياضي بوده است. او هم مدتي در مدرسه غيرانتفاعي تدریس مي‌کرد، اما با كوله‌باري از اميد آن را رها كرد. «من با ماهي 800 هزار تومان شروع به كار كردم. تازه سربازي‌ام را تمام کرده بودم. فكر مي‌کردم پس از چند سال كار در اين مدرسه مي‌توانم بالاخره استخدام آموزش و پرورش شوم. در نهايت سال گذشته، پس از چهار سال كار، در حالي كه تازه حقوقم به يك ميليون و دويست هزار تومان رسیده بود، از محل كارم استعفا دادم. الان به صورت آزاد كار مي‌كنم. هيچ كدام از دوره‌هايي كه آموزش و پرورش منطقه برگزار كرد به درد ما نخورد. براي ساير معلمان شايد افزايش سابقه يا حقوق به همراه داشت اما ما فقط اميد جمع كرديم». بيشتر ادارات آموزش و پرورش استان از اين وضعيت نابسامان مدارس غيرانتفاعي باخبرند، اما همچنان از نظارت بر وضعيت معلمان خبري نيست. گاهي ديده مي‌شود ادارات شهرستان‌هاي كوچك، بدتر نمك بر زخم معلمان غيرانتفاعي مي‌پاشند يا تلاششان را ناپسند مي‌گيرند يا در شهرهاي كوچك، براي حذف مدارس غيرانتفاعي از گردونه آموزش و تاكيد بر فعاليتهاي معلمان رسمي، نامي از معلمان فعال غيرانتفاعي برده نمي‌شود. اين در حالي است كه توقع مي‌رود ادارات آموزش و پرورش اهرم فشاري باشند تا موسسان مدارس غيرانتفاعي، عادلانه‌تر با معلمان برخورد كنند. به گفته سبحان، سازماني براي دادخواهي واقعي وجود ندارد. توصيه جامعه به آنها اين است: «يا بسازيد يا كارتان را رها كنيد». در واقع به اين بن بست «خودكرده را تدبير نيست» هدايت‌شان مي‌كنند.

\* اسامي مستعار است.

منبع: روزنامه اعتماد 1 اسفند 1400 خورشیدی